



\*Corresponding author:

**Dr. Mohammed Essa Kadhim**  
University: Wasit University  
College: College of Arts

**Keywords:**

Sufism, hearing, principles of hearing, Iraq, mystics of Sufism

**ARTICLE INFO**

**Article history:**

Received 23 Aug 2022  
Accepted 11 Sep 2022  
Available online 1 Oct 2022

## The role and status of the hearing council in Iraqi Sufism

### ABSTRACT

Poetry, song, song and dance, all of which are under the Sufi title of "hearing"

It has played an important role in Islamic mysticism and has been the focus of mystics for a long time.

The mystics attached great importance to achieving the "mood" which they considered the descent of divine mercy, and they believed that the present, on the contrary, status cannot be achieved only through the efforts and efforts of the seeker. Rather, it is compassion, mercy, and care that comes down from the Lord, and it is a divine and divine light that is given to the seeker.

Sufiya's emphasis on hearing and dance has another aspect, which is positive mysticism and the expansion of the culture of happiness and contentment with existence and good life, they have gone to the truth through beautiful and uplifting ways, not through negative ways or suffering and torment. Unhappiness.

In this article, the author first tries to explain the literal and idiomatic meaning of hearing, then he talks about the history of hearing and the benefits and conditions of forming the assembly, and also talks about the prohibited days to hold these assemblies and the mention of hearing in Sufi poetry, and finally hearing from the mystics' point of view and its role and importance before Iraqi Sufis today

© 2022 LARK, College of Art, Wasit University

DOI: <https://doi.org/10.31185/>

### دور ومكانة السماع في التصوف العراقي

أ.م.د. محمد عيسى كاظم/العراق - جامعة واسط - كلية الآداب

### چکیده

شعر و آواز و سرود و رقص که همه آنها تحت عنوان صوفیانه «سماع» در آمده، در عرفان اسلامی نقش مهمی ایفاء کرده و از دیر باز مورد توجه عارفان بوده است.

عارفان برای نیل به «حال» که آن را نزول رحمت الهی می شمردند، اهمیت بزرگی قائل بودند و معتقد بودند که حال، برعکس مقام تنها با کوشش و مجاهدات سالک بدست نخواهد آمد، بلکه آن عطوفت و

رحمت و عنایتی است که از جانب پروردگار نازل می شود و بارقه ای الهی و ربانی است که نصیب سالک می گردد (کیائی نژاد ، 1366: 315).

تاکید صوفیه بر سماع و رقص جنبه دیگری نیز دارد که عرفان مثبت و گسترش فرهنگ شادمانی و خرسندی از هستی و خوش زیستی بوده است ، از راههای زیبا و نشاط آور به سوی حق می رفته اند نه از راه راههای منفی و یا رنج و عذاب و ناراحتی (افراسیاب پور ، 1380: 253)

نویسنده در این مقال سعی دارد ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی سماع را توضیح دهد ، سپس در مورد تاریخ ظهور سماع و فواید و شرایط تشکیل مجلس آن را بپردازد و همچنین درباره ایام نهی شده از تشکیل این مجالس و سپس ذکر سماع در شعر صوفیه سخن گفت و بلاخره سماع از دیدگاه عارفان و نقش و اهمیت آن پیش صوفیه عراق امروز بررسی کند.

کلید واژه ها : تصوف ، سماع ، اصول سماع ، عراق ، عارفان تصوف .

#### مقدمه

تصوف در قرون اولیه بیشتر بر عمل تکیه داشت و بتدریج با مباحث نظری و مسائل دقیق و پیچیده علم توحید عمیقتر و گسترش بیشتر یافت تا آنجا که گاه بعد نظری به جنبه های عملی تصوف فزونی گرفت و اوج این تحول را در قرنهای پنجم و ششم قرار داد ، ولی از قرن دهم دشواریهای علمی و عملی این راه موجب گردید هر دو تضعیف شود و راههای میان بری برای رسیدن به آنچه سالک صوفی می طلبد انتخاب گردد . به عنوان مثال می توان از سماع و رقص به عنوان راه میان بر آسان برای رسیدن صوفی به بیخودی که تحصیل آن با نظر و عمل بسیار دشوار می باشد نام برد (ر. ک زنجانی ، 1366 : 443 و 444).

سماع حرکتی پرشور بود که صوفی از آن برای تحریک و نیل به حالت بیخودی استفاده می کردند و صوفی از این طریق حالت قبض و ملال را از خود دور می کرد . همین عامل بود که صوفی را به مجالس سماع و رقص و قوالی می کشانید و در این مجالس ترانه های عاشقانه و عارفانه همراه با ساز یا بدون آن خوانده می شد و صوفیان دور قوال و مغنی حلقه می زدند و خاموش و آرام سر به گریبان برده نفسها را در سینه ها حبس می کردند و با سکون زمینه شور و هیجان طوفانی را بر خود فراهم می آوردند ، نخست حالت وجد و سپس نعره صوفیانه آنها را به رقصهای تند و امیداشت و بدین ترتیب همه حاضران به پایکوبی و دست افشانی بر می خاستند گاه کسانی بودند که چنان تحریک می شدند که خرقة خویش پاره می کردند . بدین ترتیب

صوفیان برای سیر و سلوک مقامات و رسیدن به حالات و شهود عرفانی و حتی آخرین مراحل صوفیانه نیازی به تحمل شدائد کسب علوم و معارف نظری و یا ریاضتها و خلوت‌های طولانی نمی‌دیدند و راه را با طی مراسم تشریفاتی و آداب و رسوم خاص نزدیکتر و آسانتر می‌نمودند (همان : 444 و 445).

### سماع در فرهنگ لغت

سماع در لغت به معنی شنوایی و شنیدن سرود و آوازی است که شنیدن آن خوش آید. سماع، آوازی است که حال شنونده را منقلب گرداند (محمودی، 1392 : 155).

مؤلف تاریخ خانقاه در ایران سماع را چنین تعریف کرده : سماع در ریشه عربی از واژه سَمِع و سَمِعْ که به معنی مصدر و اسم می‌باشد گرفته شده و به معانی : شنیدن و شنواندن، گوش دادن، سخنی که شنیده می‌شود، صدایی که از هر چیزی برآید و ترانه شنیدن استعمال شده است. این واژه مجازاً به معانی مختلفی از قبیل رقص، نغمه، وجد و حال و مجلس اُنس، گفتن و شنیدن ترانه، به کار رفته (کیانی، 1369 : 428)

### سماع در اصطلاح تصوف و عارفان

در اصطلاح تصوف، سماع عبارت است از آواز خوش و آهنگ دل‌انگیز روح نواز و آنچه ما امروز از آن به موسیقی تعبیر می‌کنیم، که البته به قصد صفای دل، حضور قلب و توجه به حق شنیده شود. در نظر بسیاری از بزرگان تصوف، یکی از راه‌های وصول به حق، حالت وجد است، به این معنی که گفته‌اند : سماع حالتی در قلب ایجاد می‌کند که "وجد" نامیده می‌شود، و این وجد حرکات بدنی به وجود می‌آورد که اگر حرکات، غیر موزون باشد آن را "اضطراب" می‌نامند، و اگر حرکات موزونی باشد، به آن "کف زدن و رقص" می‌گویند (محمودی، 1392 : 155).

سماع به معنی خواندن آواز یا ترانه عرفانی توسط قوال یا قوالان (گاه همراه با نغمه ساز) و به وجد آمدن شنوندگان در مجالس «ذکر جلی» است. از آنجا که این به وجد آمدن گاه به رقص و دست‌افشانی می‌انجامد.

سماع سستی و سکون را از دل سالکان دور ساخته و آتش ذوق و شوق آنان را شعله‌ور می‌ساخت؛ سالکی که در یک ریاضت سخت و جانفرسا و تکرار ورد و ذکر مداومی قرار داشت

، سماع مانند محرکی قوی ، او را از حالت قبض و گرفتگی بیرون می آورد و بدو شور و نشاط می بخشید و برای بُردن بار گران ریاضت بدو قدرت می داد . در واقع سماع همچون شهدی بود که به داروی تلخ ریاضت آمیخته باشند تا ذائقه از خوردن آن احساس تلخی نکند (کیانی ، 1369 : 429)

سماع در اصطلاح عارفان ، حالتی است که بر اثر هیجانات عاطفی و غلیان و خروش درونی و شور و وجد باطنی به عارفان راه معرفت و سالکان طریق حقیقت و واصلان به کعبه وحدت ، دست می دهد و گاه و بیگاه آن ها را وامی داشته که از خواست خود بر خاسته و بی خود و از خود و خویشتن در هر زمان و مکان بی پروا از قهر و طعن بدخواهان و لعن و شتم دشمنان ، دست بیفشانند و تن بچرخانند و پای بر زمین کوبند (ابو القاسم ، 1370 : 26).

طوسی<sup>(1)</sup> در کتاب *اللمع* راجع به سماع گوید : «سماع شنیدن با گوش و نیوشیدن با حضور قلب و ادراک با فهم است و زدودن و هم است» (طوسی ، 1382 : 310)

خواجه عبد الله انصاری<sup>(2)</sup> در *طبقات الصوفیه* خویش سماع را مزامیر قدس در مقاصیر اُنس با الحان توحید در ریاض تمجید و مطربان مثنائی می خواند و آن را اشارات می داند (انصاری ، 1362 : 99 مقدمه)

سری سقطی<sup>(3)</sup> گفته است ، که شرط واجد سماع شنونده و بانگ کننده آن است که چنان بی خبر باشد که اگر شمشیر بروی زنند او را از ضربت به شدت الم خبر نباشد (همان : 394 پاورقی)

### تاریخچه پیدایش سماع :

سماع و رقص سابقه ای مذهبی داشت و از زمانهای بسیار دور در پرستشهای مذهبی و پرستشگاه ها مورد استفاده واقع شده و به شنوندگان رقت قلب می بخشید .

در مزامیر داود ، در مزار 149 آمده است که :

---

1 - طوسی: ابو نصر عبد الله السراج الطوسی (متوفی 378 هـ ق) از بزرگان مشایخ صوفیه قرن چهارم هجری به شمار می آید (الزركلي، 2002: 104)  
- خواجه عبد الله انصاری: معروف به «پیر هرات» و «پیر انصار» بود . دانشمند و عارف صوفی قرن 2 پنجم هجری و یکی از نوابغ ادبی خراسان شناخته می شود (باحث).  
- سری سقطی: ابو الحسن سری بن مغلّس سقطی از برجسته ترین صوفیان عصر خود ،، استاد و دایی شیخ 3 جنید بغدادی بود (باحث).

« وجد نمایند ، خدا را با رقص و تسبیح بخوانند ، با بربط و عود او را بسرایند و بر بسترهای خود ترنم کنند » (کیانی ، 1369 : 429)

همانند چنین رقص مقدسی در آیین تصوف نیز پدید آمده و بیشتر مشایخ طریقت ، هم آن را می پذیرند و در خانقاه ها اجرا می کنند .

در باره زمان پیدایش مجلس سماع اطلاع دقیقی در دست نیست ، لکن سابقه مذهبی غیر اسلامی داشته ، اما در اسلام سال 245 هجری که ذو النون مصری<sup>(4)</sup> از زندان متوکل<sup>(5)</sup> آزاد گردید ، صوفیان در جامع بغداد به دور او گرد آمده و درباره سماع از او اجازه گرفتند . اقوال شعری خواند و ذو النون هم ابراز شادی کرد .

و در سال 253 هجری که نخستین حلقه سماع را علی تنوخی یکی از یاران سری سقطی (متوفی 253 هـ) در بغداد برپا کرد از این زمان به بعد مجالس سماع تشکیل به خود گرفته (افراسیاب پور ، 1380 : 255)

«مجلس سماع در مجالس شیوخ صوفیه به ویژه جنید بغدادی<sup>(6)</sup> انجام می شد ، که توسط شاگردان و پیروان ایرانی جنید مثل اسماعیل بن نجید ، ابو عبد الرحمن سلمی ، ابو الحسن نوری (فوت 295 هـ ق) و دیگر به ایران آمد» (انوشه ، 1376 : 823)

### فواید سماع

البته مجالس سماع از فواید خالی نیست و از جمله فواید یکی آنست که اصحاب ریاضات و ارباب مجاهدات را از کثرت معاملات گاه گاه اتفاق افتد که ملالتی و کلالتی در قلوب و نفوس حادث شود و قبضی و یأسی که موجب فتور اعمال و قصور احوال بود طاری گردد پس مشایخ متأخر از بهر رفع این عارضه و دفع این حادثه ترکیبی روحانی از سماع اصوات طیبیه و الحان

- ذو النون مصری: ثوبان بن ابراهیم (179 - 245 هـ ق) یکی از مشهورترین صوفیان قرن سوم هجری<sup>4</sup> است. (الزرکلی، 2002 ، ج3: 8).

- متوکل : ( خلیفه هفتم از خلفای بنی عباس) ابو الفضل جعفر پسر معتصم پسر هارون الرشید (205 - 247 هـ ق).

- جنید بغدادی : ابو القاسم جنید بن محمد بن جنید مشهور به بغدادی (206 - 297 هـ ق) که هجویری درباره<sup>6</sup> اش می گوید ؛ اندر وقت وی را طاوس العلماء گفتندی و سید این طایفه و امام الائمه ایشان بود (ر.ک هجویری ، 1392 : 285).

متناسبه و اشعار مهیجه که مشروع بود نموده اند و ایشان را بر تناول آن به وقت حاجت تحریض فرموده اند.

فایده دوم: آنکه سالکان را در اثناء سیر و سلوک به سبب ظهور و استیلای صفات و نفوس و قفات و حجات بسیار افتد که بدان سبب مدتی طریق مزید احوال برایشان مسدود گردد و به طول فراق سورت اشتیاق نقصان پذیرد.

پس ممکن بود که مستمع را در سماع الحان لذیذ یا غزلی که وصف الحال بود حالی که تحریک دواعی شوق و تهییج نوازع محبت کند روی نماید و آن وقفه یا حجه از پیش برخیزد و باب مزید مفتوح شود.

فایده سوم: آنکه اهل سلوک را که حال ایشان هنوز از سیر به طیر و سلوک به جذب و محبی به محبوبی نینجامیده باشد در اثناء سماع ممکن بود که سمع روح مفتوح گردد و لذت خطاب ازل و عهد اول یاد آید و طایر روح به یک نهضه و نفیضه غبار هستی و نداوت حدوث از خود بیفشاند و از غواشی قلب و نفس و جمله اکوان مجرد گردد (حاکمی، 1367: 87).

#### شرایط تشکیل مجلس سماع:

موضوع سماع در تاریخ تصوف از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا در قبول یارد آن بین متشرعین و فقها با صوفیان و حتی بین خود صوفیان اختلاف است، به همین دلیل اکثر عارفانی که سماع را مباح و جایز دانسته اند، برای آن شرایط و نشانه هایی مشخص کرده و بین سماع و غنا فرق نهاده اند.

امام غزالی<sup>(7)</sup> در کتاب *احیاء علوم الدین* درباره شرایط و آداب سماع چنین می گوید: آداب سماع پنج است.

---

- امام غزالی: ابو حامد محمد غزالی یکی از مشهورترین دانشمندان بزرگ اسلامی است، در شهر توس به 7 سال 450 هجری متولد شد و در همانجا به سال 505 هجری فوت کرد (باحث).

**اول:** مراعات زمان و مکان و اخوان ؛ یعنی در زمان سماع مشغله ی دیگری خاطر سالک را آشفته نسازد و هم چنین در مکان های ناپسند به سماع مبادرت نکند و نیز در حضور متکلفان و مرانیان (متظاهران) وصاحبان دنیا از سماع دوری جوید .

**دوم :** قصد و نظر مستمعین از سماع است که چون گرد بر گرد شیخ مریدانی باشند که سماع برای ایشان زیان دارد ، نباید که در حضور ایشان بشنود و اگر بشنود باید که ایشان را به شغلی دیگر مشغول کند و مریدانی که سماع برای ایشان ضرر دارد سه قسم هستند :

- 1- آن کس است که از این راه جز علم های ظاهر نداند و برای او ذوق سماع نباشد.
- 2- کسی که ذوق سماع دارد ،ولیکن هنوز در او حظوظ نفسی باشد و به شهوات صفات بشریت التفاتی داشته باشد .
- 3- آن که شهوت او شکسته باشد و از غایله سماع در امان باشد و دوستی خدای تعالی بر دل او غالب باشد اما نام ها و صفت های خداوند و آنچه در حق او جایز باشد به خوبی درک نکرده باشد ؛چون در سماع بر او گشاده شود آنچه می شنود در حق حق تعالی حمل کند.

**سوم :** سراپا گوش بودن و به اطراف نظر نینداختن و خودداری از کف زدن در رقص .

**چهارم :** مستمع نباید بایستد و نباید صدایش را به گریه بلند کند ولی چنان چه خالی از شائبه و ریا باشد رقص کند و خود را گریان نشان دهد مباح است .

**پنجم :** موافقت با قوم در قیام ، چنان چه مستمعی در رقص و تواجد متکلف است با آنان در رقص بایستد و احوال بر آنان مشوش نکند(غزالی ، 1366 : 652).

### **ایام نهی شده از تشکیل مجلس سماع**

چون برخی از ایام دارای شأن و منزلت معنوی می باشند و قداست آن روزها اجازه نمی دهد که جز به ذکر و توسل یا عزاداری مشغول بود ، به همین لحاظ در بعضی از ایام اقامه سماع نهی می باشد.

الف- ایام سوگواری و عزاداری حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین.

ب- روز جمعه که دارای شرف و اهمیت خاصی می باشد.

ج- محرم و صفر که ایام عزاداری خاصه می باشد.

د- هنگام نزول بلا چون سیل ، طوفان، زلزله، که ممکن است عده ای به مصیبتی مبتلا شده باشند.

ه- زمان رحلت بزرگان دین که صاحب شرع و شریعت عزادار کی باشد.

در چنین ایامی پسندیده نیست که مجلس سماع منهقد می گردد. (ر ک ،حیدرخانی، 1376: 288 - 291).

### سماع در شعر صوفیه

سماع در شعر صوفیانه سهم زیادی دارد ، بیشتر شاعران تصوف در شعر خود به سماع اشاره کرده اند ، اینجا به شکل نمونه برخی از آن را ذکر کنیم :

• **شیخ سعد الدین حموی<sup>(8)</sup>** (متوفی 650 هجری) می گوید:

دل وقت سماع بوی دلدار برد جان را به سرا برده اسرار برد

این زمزمه مرکب مر روح تراست بردارد و خوش به عالم یار برد(افراسیاب پور، 1380: 250).

• **مولانا جلال الدین<sup>(9)</sup>** (604- 672 هـ ق) می گوید:

بانگ گردش های چرخ است اینکه خلق می سر ایندش به طنبور و به حلق

مؤمنان گویند که آثار بهشت نغز گردانید هر آواز زشت

ماه مه اجزای آدم بوده ایم در بهشت آن لحن ها بشنوده ایم

---

- شیخ سعد الدین حموی: ابو السعادات سعد الدین محمد بن المؤید البحر آبادی الحموی ( ابن حمویه) (587- 8  
658 هـ ق) عارف و عابد و از مشهورترین مشایخ تصوف عصر خود به شمار می آید(م.ت هوتسما ، 1998  
: 5644)

- مولانا جلال الدین: جلال الدین محمد بلخی (604 – 672 هـ ق) ملقب به سلطان العلماء از رؤسای شریعت<sup>9</sup>  
و طریقت بود(باحث).



پس غذای عاشقان آمد سماع که در او باشد خیال اجتماع (مولانا، 1366: 485)

• سعدی شیرازی<sup>(10)</sup> (606-691 هـ ق) می گوید:

جان سماعست و مستی و شور ولیکن چه بیند در آینه کور؟

نبینی شتر بر نوای عرب که چو نش برقص اندر آرد طرب

شتر را چو شور و طرب در سراسر است اگر آدمی را نباشد خر است (سعدی، بوستان: 305).

• حافظ شیرازی<sup>(11)</sup> (725 – 792 هـ ق) می گوید:

شاهها فلک از بزم تو در رقص و سماع است

دست طرب از دامن این زمزمه مگسل (غزلیات حافظ غزل

شماره 304)

• عبد الرحمن جامی<sup>(12)</sup> (817 – 898 هـ ق) می گوید:

نعمه جان از چنگ سماع بجه از جم به آهنگ سماع

همه ذرات جهان در رقصند رو نهاده به کمال ار نقصند

• فخر الدین عراقی<sup>(13)</sup> (612 - 688 هـ ق) می گوید:

تا من اندر سماع عشق آیم مجلس عاشقان بیارایم

همچو مستان سماع برگیرم نعره شوق دوست درگیرم (افراسیاب پور، 1380: 254).

---

- سعدی شیرازی: مصلح الدین سعدی شیرازی، یکی از مشهورترین شاعران ایرانی در قرن هفتم هجری<sup>10</sup> به شمار می آید و یکی از مریدان سهروردی و در طریق تصوف تابع او بوده است (باحث).

- حافظ شیرازی: خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، در شهر شیراز متولد شد. از برجسته ترین<sup>11</sup> شاعران سده هشتم هجری در ایران به شمار می آید (باحث).

- عبد الرحمن جامی: نور الدین عبد الرحمن جامی، از مشهورترین شاعران قرن نهم هجری و یکی از<sup>12</sup> عارفان تصوف بود (باحث).

- فخر الدین عراقی: فخر الدین عراقی همدانی (متوفی 688 هـ ق) شاعر و فیلسوف ایرانی و یکی از<sup>13</sup> مریدان شیخ سهروردی بود (باحث).

## سماع از نظر عارفان تصوف .

چنانکه مسأله ای سماع در میان فقها مختلف فیه است در میان طایفه صوفیه نیز در اختیار سماع اختلافست ، و کسی تصور نکند که جمیع مشایخ و عارفان صوفیه سماع می کردند بلکه مشارب ارباب ذوق و وجدان و مذاهب اصحاب کشف و عرفان نیز در این باب مختلف است :

1- **ابو سعید ابو الخیر**<sup>(14)</sup> معتقد می باشد: « کس باشد که بر دنیا شنود و کس باشد بر هوا شنود و کس باشد که بر دوستی شنود و کس باشد که بر فراق و وصال شنود ، این همه وبال و مظلمت ان کس باشد و کس باشد که بر معرفت شنود هر کس در مقام خویش سماع می کند سماع آن درست بود که از حق شنود» (حیدر خانی، 1376:ب)

2- **شیخ عبد القادر گیلانی**<sup>(15)</sup> پس از ذکر اداب سماع گفت: اگر مردم در نیت و تصوف خود را صادق بودند دل و اعضاء خودشان بدون شنیدن کتاب خدا (عز وجل) آشفته می باشند زیرا که قران ، سخنان و صفت معشوقشان است و در آن یاد خدا و ذکر اولین و آخرین و عاشق و معشوق و..... یاد کرده است.

سماع حقیقی؛ قرآن ، حدیث پیامبر و سخن درباره سنت خدا با دانشمندان آنست (نگ : ابن القیم ، 1432 : 52)

3- **روز بهان بقلی شیرازی**<sup>(16)</sup> می گوید: « در سماع صد هزار لذت است که به یک لذت از آن هزار ساله راه معرفت توان برید که به هیچ عبادت میسر نشود» (حیدر خانی، 1376:ب)

4- **شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد سهروردی**<sup>(17)</sup> در کتاب *عوارف المعارف* شرح مفصل و مشروحی درباره سماع و آداب و احکام «تواجد» و «تخریق» و «رقص» و اشارات

- ابو سعید ابو الخیر: ابو سعید ابو الخیر فضل الله بن احمد (356-440 هـ ق) از اهل نيسابور است ، 14 شاعر ، عالم و صوفی مشهور عصر خود به شمار می آید (باحث).

- شیخ عبد القادر گیلانی: ابو محمد محی الدین شیخ عبد القادر گیلانی (471 - 561 هـ ق) مؤسس فرقه 15 قادریه است ، مریدان او را غوث الثقلین ، شیخ کل ، شیخ مشرق ، غوث گیلانی و باز اشهب نامیده اند (الزرکلی، 2002 ، ج4: 47).

- روز بهان بقلی شیرازی: روز بهان بن ابی النصر در شهر شیراز ولادت یافت (522 - 606 هـ ق) 16 شاعر و فیلسوف و از مشهورترین صوفیان عصر خود بود (همان منبع ، ج3: 35).

و حکایات مشایخ در این باب دارد وی راجع به حلیت و حرمت سماع می گوید: «سخن در این زمینه زیاد است و اختلافات اقوال بسیار، دسته ای آن را فسق می پندارند و دسته ای دیگر روشنگر حق و حقیقت و مایه تعالی و شکوفائی روح، و هر دو طرف در دو سوی افراط و تفریط کشیده شده اند و مجذوب عقیده خود گشته اند.»

سُهروردی آنگاه به بیان ماهیت سماع و حرمت و حلیت آن و آلات مربوط به آن و انواع مراتب و درجات آن پرداخته و در این باب توضیح مفصل داده و پس از نقل روایات و حکایاتی از مشایخ، سر انجام وی نیز مانند اکثر رجال تصوف حلال بودن و مجاز شمردن سماع را مشروط به شرایطی می داند و این نکته که، سماع برای عارفان پخته و سوخته مجاز و برای مبتدیان خام غیر مجاز می باشد، تأکید می کند. (ر ک سُهروردی، 1393: 108 - 121).

5- عز الدین کاشانی<sup>(18)</sup> می گوید: «و انصاف آن است که در این زمان، سماع بر وجهی که عادت اهل روزگار و متصوفه رسمی است عین بر وجهی و محل انکار است» (حیدرخانی، 1376: ج)

6- از بهاء الدین نقشبند<sup>(19)</sup> پرسیدند: در طریقه شما ذکر جهر و خلوت و سماع می باشد؟ فرمودند که نمی باشد (حاکمی، 1367: 81).

#### نقش سماع پیش فرقه های تصوف عراق امروز

سماع در اکثر مکاتب تصوف عراق (جز نقشبندیه) متداول و مرسوم است و مخصوصاً در بین فرقه های قادریه، رفاعیه، شاذلیه، و شعبه های آن مانند: نیهانیه، خضریه و کسنزانیه که با آداب و رسوم خاصی انجام می شده و هنوز هم این رسم در میان فرقه های مذکور معمول است.

در واقع اغلب مجلس سماع چنین برگزار می شد، که در یک محفل در ابتدا خواننده ای خوش آواز مراسم شعر خوانی داشته و تحت تاثیر صدای زیبای او و معانی روحانی و عاشقانه آن

- شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد سُهروردی بغدادی (539 - 632 هـ ق) پایه گذار مذهب<sup>17</sup> صوفیانه است که سُهروردیه نامیده می شود (باحث).

- عز الدین کاشانی: عز الدین محمود کاشانی یکی از دانشمندان و عارفان بزرگ قرن هشتم هجری بوده<sup>18</sup> است (باحث).

- بهاء الدین نقشبند: خواجه محمد بهاء الدین نقشبندی، در بخارا متولد شد (717-791 هـ ق) شیخ و<sup>19</sup> مؤسس فرقه نقشبندیه است (معمدی، 1368: 99).

اشعار که اغلب غزل بوده ، حالی به افراد مجلس کم کم به وجد آمده و از حالت عادی خارج شده و به همخوانی و سپس پایکوبی و چرخ می پرداخته اند. آهنگ و نظم آن اشعار با تکرار قسمتهایی از آنها این حال را تشدید می نموده و از طریق دف به تحریک بیشتر افراد پرداخته تا آنجا که چنان جذب می شده اند که به اوج وجد عارفانه می رسیده اند . قوال که به معنی سرودگر ، مطرب و چیره زبان باشد ، در این محافل غزلیات عاشقانه را می خوانده است.

سماع یکی از اساسی ترین روش های صوفیانه عراق امروز بشمار می آید ، بیشتر پیروان فرقه های تصوف امروز به طور افراطی از سماع دفاع می کنند و به شرایط آن و حتی نظر عارفان یا بنیانگذاران فرقه های تصوف درباره این مجالس اهمیتی نمی دهند و بیشتر آنان از این شرایط یا نظر عارفان خبر نداشتند . در واقع تصوف برای بسیاری از آنها فقط همین مجلس سماع است لذا اهمیت زیادی به آن مجلس می دهند . و بیشتر آنها از اصول تصوف هیچ خبری ندارند ، در نظر اغلب صوفیان امروز هر کسی که منکر سماع و ضرب دف شود ، منکر تصوف باشد.

### نتیجه گیری

از آنچه که بیان گردید و نیز با رجوع به سایر کتبی که به این امر پرداخته اند بدست می آید که در عرفان و تصوف اسلامی از بدو اسلام تا اواسط قرن سوم هجری دارای سماع و دف و نی نبود اما به محض این که اسلام وارد ایران شد در دوره خلیفه دوم<sup>(20)</sup> ، عرفان اسلامی نیز به عنوان ضمیمه و حتی عنصری ضروری به ایران آمد .

ایرانیان باستان کتب مذهبی اوستای<sup>(21)</sup> خویش را همراه آواز و موسیقی می خوانند پس از آن که ، آن نحوه ادای واجبات شرعی و مذهبی منسوخ شد ، با ورود اسلام به ایران ایرانیان به دنبال بهانه ای می گشتند که سنن از یاد رفته اسلاف خویش را زنده کنند لذا سماع چاشنی تصوف و عرفان کردند .

---

- خلیفه دوم : عمر بن الخطاب<sup>20</sup>

- اوستای : کتاب مقدس زردشتیان .<sup>21</sup>

در باب سماع از ابتدا تا این زمان در میان مشارب ارباب ذوق و وجدان و مذاهب اصحاب کشف و عرفان در این باب مختلف است .

فقیهان اسلامی هم با سماع صوفیان مخالف بودند و آن را حرام می دانستند و به عنوان لهو و لعب از آن انتقاد می کردند و یکی از موارد اختلاف آنان با صوفیان همین مسئله سماع بود.

ظاهر آنست ، که مسأله سماع عبارت از دو شاخه است ، سرود مجرد و سرود مقترن به آلات و هر دو مختلف فیه است . به نظر می رسد ، در سرود مجرد جانب اباحت غالب است و در مقترن به آلات طرف حرمت را رجحان است .

متأسفانه تصوف امروز به نظر بیشتر عوام و درویش صوفیانه اهل عراق همان مجالس سماع است و از اصول مکتب های تصوف چیزی نداشته اند ، در حقیقت صوفیه مقامشان بالاتر از آنست و این راهی نیست که انسان را به کمالات معنوی رسانده و به خدا نزدیک گرداند ، بلکه بهترین و تنها ترین راه کسب کمالات معنوی و تقرب به خدا ، دستورات شرعی و اخلاقی علاوه بر التزام به اصول مکتب های تصوف است که بنیانگذاران این مکاتب برای مریدان خودشان سفارش گردیده اند .

#### منابع

- 1- ابن القيم ، الجوزیه (1432 هـ ق) ، الکلام علی مسألة السماع ، تحقیق محمد عزیر شمس ، مطبوعات المجمع الفقه الاسلامی ، جدة ، نشر و توزیع : دار عالم الفوائد .
- 2- ابو القاسم ، تفضلی (1370 هـ ش) ، سماع درویشان در تربیت مولانا ، نشر مؤلف .
- 3- افراسیاب پور ، علی اکبر (1380 هـ ش) ، زیبایی پرستی در عرفان اسلامی ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات : طهوری .
- 4- الزرکلی ، خیر الدین (2002م) ، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین ، چاپ پانزدهم ، لبنان ، نشر : دار العلم للملایین
- 5- انصاری ، خواجه عبد الله (1362 هـ ش) ، طبقات الصوفیه ، مقابله و تصحیح محمد سرور مولایی ، انتشارات : توس .
- 6- انوشه ، حسن (1376 هـ ش) ، فرهنگ نامه ادب فارسی ، دانشنامه ادب فارسی ، تهران ، نشر : سازمان چاپ و انتشارات .

- 7- حافظ ، شمس الدین محمد شیرازی(1388 هـ ش)، غزلیات حافظ شیرازی بر اساس سخ معتبر ، چاپ نوهم ،تهران، ناشر : کتاب همراه.
- 8- حاکمی ، دکتر اسماعیل(1367 هـ ش) ،سماع تصوف ، تهران ، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- 9- حیدر خانی ، حسین (1376 هـ ش)، سماع عارفان، چاپ دوم ، تهران، انتشارات: سنائی .
- 10- زنجانی ، عباسعلی عمید (1366 هـ ش)، پژوهشی در پیدایش و تحولات تصوف و عرفان، تهران ، انتشارات: امیر کبیر.
- 11- سعدی ، شیرازی (1388 هـ ش) ، بوستان ، مصحح عزیز الله علیزاده ، تهران، نشر: فردوسی
- 12- سهروردی ، شیخ شهاب الدین ، (1393 هـ ش) ، عوارف المعارف ، چاپ پنجم ، تهران ، انتشارات : علمی و فرهنگی .
- 13- غزالی ، محمد (1366 هـ ش)، احیاء علوم الدین ، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی ، به گوشش حسین خدیو جم ، جلد دوم ، نشر: بنیاد فرهنگ ایران.
- 14- کیانی نژاد ، دکتر زین الدین(1366 هـ ش)، سیر عرفان در اسلام، طهران، ناشر: انتشارات اشرفی.
- 15- کیانی ، محسن (1369 هـ ش) ، تاریخ خانقاه در ایران ، تهران ، نشر : کتابخانه طهوری .
- 16- م.ت هوتسما – ت.و ارنولد – ر. باسیت – ر هارتمان(1998 م)، موجز دائرة المعارف الاسلامیة، المحقق ابراهیم زکی خورشید – احمد الشنتناوی – عبد الرحمن الشیخ – محمد عنانی، ج18، الشارقه ، نشر: مرکز الشارقه للابداع الفکری.
- 17- محمودی ، خیر الله (1392 هـ ش) ، آشنایی با مبانی عرفان و تصوف مکتب ها ، سلسله ها و بزرگان عرفان اسلامی ، تهران ، ناشر : آبیژ.
- 18- معتمدی، مهیندخت (1368 هـ ش)، مولانا خالد و پیران طریقت او، تهران ، انتشارات: پاژنگ.
- 19- مولانا ، جلال الدین(1366 هـ ش) ، مثنوی معنوی ، به تصحیح و پیشگفتار عبد الکریم سروش ، تهران ، نشر : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .
- 20- هجویری ، ابو الحسن علی (1392 هـ ش)، کشف المحجوب ، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، چاپ هشتم، تهران ، انتشارات: سروش.